



درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۷۲	تاریخ درس:	۱۴۰۰/۰۳/۰۳
عنوان فرعی ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان فرعی ۲	عدل سیاسی			
عنوان فرعی ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی			
عنوان فرعی ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن			
عنوان فرعی ۵	حق سوم: حق کار			
عنوان فرعی ۶	وجوب طلب روزی و کار برهر انسانی			
مقرر:	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش			

در حق سوم از حقوق شهروندی یعنی حق کار بحث می کردیم و گفتیم از روایات استفاده می شود که یکی از وظایف دولت و حقوقی که رعیت و مردم بردولت دارند، حق فراهم کردن زمینه اشتغال به کار کسانی است که توان کار دارند. اصل مطلب مسلم است و ادله آن را بیان کردیم؛ اما این بحث دارای فروعی است:

فرع اول: وجوب طلب روزی و کار برهر انسانی

برهر انسانی واجب است که خود به دنبال کار برود. درست است که دولت وظیفه دارد؛ اما این وظیفه مخصوص دولت نیست؛ بلکه قبل از اینکه دولت بخواهد اقدامی کند، بر خود فرد واجب است که به دنبال کاریابی باشد؛ اینکه در خانه بنشیند و بگوید رزقم را خدا می رساند و بخواهد تنبلی کند و کاری را که می تواند انجام بدهد، انجام ندهد؛ ممنوع است و شرعاً مجاز نیست. که این فرع، زمینه مسأله بعدی را فراهم می کند که اگر کسی توان کار داشته باشد و به دنبال کار نرود، دولت باید او را مجبور به کار بکند. اکنون بحث در همین فرع است که بر خود شخص واجب است که به دنبال کار برود؛ روایات زیادی داریم که دلالت دارد بر وجوب طلب رزق و هر کسی حق ندارد در خانه بنشیند و از طلب رزق دست بکشد؛ البته ما این را در مباحث سابقمان گفته ایم که این وجوب طلب رزق و وجوب دنبال کار رفتن، در روایات یک استثناء دارد و آن طلب علم است و این مضمون در روایات ما آمده است که خداوند عهده دار رزق طالب علم است: «وَقَدْ وَرَدَ فِي الْحَدِيثِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ تَكَفَّلَ لِطَالِبِ الْعِلْمِ بِرِزْقِهِ خَاصَّةً عَمَّا ضَمِنَهُ لِغَيْرِهِ»^۱؛ که از این روایت استفاده خواهیم کرد که

۱. منية المريد؛ ص ۱۶۰.

دولت موظف است که طلاب علم را تأمین کند و طالب علم نمی‌تواند هم طلب علم کند و هم به دنبال کسب و کار برود؛ لذا طالب علم از این قاعده مستثنی است؛ اما اجمالاً قاعده کلی، وجوب طلب رزق و وجوب جویای کار بودن است. روایات زیادی در این زمینه وجود دارد که ما به برخی از این روایات می‌پردازیم:

روایت اول صحیح‌ه ایوب است که از لحاظ سند صحیح است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَيُّوبَ أَخِي أُدَيْمٍ بَيَّاعِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: «كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ أَقْبَلَ الْعَلَاءُ بْنُ كَامِلٍ فَجَلَسَ قُدَّامَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي فِي دَعَايَ قَالَ لَا ادْعُوكَ اظْلُبْ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»^۱؛

خدمت امام صادق عليه السلام نشسته بودیم که علاء بن کامل آمد و در برابر امام نشست، سپس گفت: دعا بفرمایید تا خداوند، روزی بی‌زحمتی به من عطا کند. امام عليه السلام فرمود: دعا نخواهم کرد. برو با پیشه و کار، روزیت را بجوی. این فرمان خدا است.

این روایت صریح در وجوب است؛ هم «اظْلُبْ» که امر است و هم «كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»، هر دو تعبیر نشان دهنده وجوب، بلکه وجوب مؤکد است.

[در پاسخ به این سوال که خداوند در کجا امر کرده؟ آیا در قرآن آمده؟]: ممکن است که ما این وجوب را از یک آیه قرآن استفاده کنیم اما اینطور نیست که لازم باشد از در قرآن آمده باشد؛ بلکه همین که خود امام می‌فرماید «كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»، اخبار از امر الهی است.

روایت دوم، روایت کلیب صیداوی است:

عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَائِذٍ عَنْ كُلَيْبِ الصَّيْدَاوِيِّ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ادْعُ اللَّهَ لِي فِي الرِّزْقِ فَقَدْ التَّائْتُ عَلَى أُمُورِي؛ فَأَجَابَنِي مُسْرِعًا: لَا، اخْرُجْ فَاطْلُبْ»^۲؛

کلیب صیداوی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: برای [زیاد شدن] روزی من دعا کنید که امور من پیچیده و سخت شده؛ پس امام بی‌دریغ فرمودند: دعا نمی‌کنم، [از خانه] بیرون برو و طلب روزی کن.

اینطور نیست که کسی برای رزق بخواهد به دعا تکیه کند؛ بلکه رزق باید طلب شود؛ این روایت نیز دلیل بر وجوب طلب رزق است که امام می‌فرماید: «اخْرُجْ فَاطْلُبْ»؛ یعنی در خانه ننشین؛ از خانه بیرون برو و دنبال کار و رزق و روزی باش.

۱. وسائل الشیعة؛ ابواب مقدمات التجارة، باب ۴، ح ۳.

۲. همان؛ ح ۸.

روایت سوم روایتی است که از لحاظ سند کاملاً صحیح است، چنین است:

عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «أَقْرِئُوا مَنْ لَقِيتُمْ مِنْ أَصْحَابِكُمُ السَّلَامَ وَقُولُوا لَهُمْ إِنَّ فُلَانَ بْنِ فُلَانٍ يُقْرِئُكُمُ السَّلَامَ وَقُولُوا لَهُمْ عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَمَا يُنَالُ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَمُرُكُمْ إِلَّا بِمَا نَأْمُرُ بِهِ أَنْفُسَنَا فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْاجْتِهَادِ وَإِذَا صَلَّيْتُمُ الصُّبْحَ فَانْصَرَفْتُمْ فَبَكِّرُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَاطْلُبُوا الْحَلَالَ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَرْزُقُكُمْ وَيُعِينُكُمْ عَلَيْهِ»؛

خالد بن نجیح گوید: امام صادق عليه السلام می فرماید: هریک از دوستان خود را دیدید بر او سلام کنید و به آنها بگویید: فلان بن فلان بر شما سلام می رساند؛ و به آنها بگویید: شما را به تقوی (و ترس) از خداوند عزوجل و آن چیزی که موجب رسیدن به نعمت های الهی می شود، سفارش می کنم. به خدا سوگند! جز آن چیزی که خودمان را بدان وادار می کنم، دستور نمی دهم؛ پس تلاش و کوشش فراوان کنید. هنگامی که نماز صبح را گزاردید و نماز تمام شد، همان صبحگاهان در پی رزق و روزی بروید و روزی حلال بجوئید که خداوند عزوجل به سرعت به شما رزق و روزی می دهد و شما را برای کسب روزی حلال کمک خواهد کرد.

اجتهاد به معنای پرکاری و به اندازه طاقیت کار کردن است؛ نه اینکه انسان به مقدار که کار کرد، بگوید بس است؛ بلکه معنای اجتهاد این است که تا می تواند کار کند.

عبارت «فَبَكِّرُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَاطْلُبُوا الْحَلَالَ»، ظهور در وجوب دارد.

حدیث چهارم، حدیث هشام صیدنانی است:

وَعَنْ عَلِيٍّ ^۲ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ هِشَامِ الصَّيْدَنَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «يَا هِشَامُ! إِنْ رَأَيْتَ الصَّغِيرَيْنِ قَدْ اتَّقَيَا فَلَا تَدْعُ طَلَبَ الرِّزْقِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ»؛^۳

هشام صیدلانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: ای هشام! حتی اگر دیدی که دو صف جنگ رویارو شده اند در آن روز نیز طلب روزی حلال را ترک مکن.

البته مراد طلب رزقی است که منافاتی با جهاد واجب نداشته باشد؛ که مضمون روایت تأکید بر وجوب طلب رزق و دنبال روزی رفتن در هر صورت و زمان است.

روایت پنجم نیز روایتی است که از لحاظ سندی قوی است:

۱. همان؛ ح ۸.

۲. مراد علی ابن ابراهیم قمی است.

۳. وسائل الشیعة؛ ابواب مقدمات التجارة، باب ۵، ح ۴.

وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ ظَنَنْتَ أَوْ بَلَغْتَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ كَائِنْ فِي غَدٍ فَلَا تَدْعَنَّ طَلَبَ الرِّزْقِ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَكُونَ كَلًّا فَافْعَلْ^۲؛

شهاب بن عبد ربّه گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: اگر گمان کردی یا این خبر به تو رسید (و یقین کردی) که فردا این امر (ظهور امام زمان عليه السلام) محقق خواهد شد، به هیچ وجه از کسب روزی دست بردار و اگر می توانی سربار دیگران نباشی همین کار را بکن.

حضرت می فرماید اگر علم پیدا کردی که فردا می خواهیم قیام کنیم، این خبر موجب آن نشود که کار و طلب رزق را رها کنی و تا آنجا که می توانی خود کفا باشی و کلّ بر دیگران نباشی، باید این کار را انجام دهی. دلالت این روایت نیز روشن است.

روایت ششم، روایت علی بن عبد العزیز است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمَزَةَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا فَعَلَ عُمَرُ بْنُ مُسْلِمٍ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَقْبَلُ عَلَى الْعِبَادَةِ وَتَرَكْتُ التِّجَارَةَ. فَقَالَ وَيْحَهُ أَمَا عَلِمَ أَنَّ تَارِكَ الطَّلَبِ لَا يُسْتَجَابُ لَهُ؛ إِنَّ قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمَّا نَزَلَتْ «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۳ أَغْلَقُوا الْأَبْوَابَ وَأَقْبَلُوا عَلَى الْعِبَادَةِ وَقَالُوا قَدْ كُفِينَا ذَلِكَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ مَا حَمَلَكُمْ عَلَى مَا صَنَعْتُمْ؟ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ تُكْفِلُ لَنَا بَارِزَاتِنَا فَأَقْبَلْنَا عَلَى الْعِبَادَةِ. فَقَالَ إِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ؛ عَلَيْكُمْ بِالطَّلَبِ^۴؛

علی بن عبد العزیز گوید: امام صادق عليه السلام از من پرسید: عمر بن مسلم چه کار می کند؟ گفتیم: قربانت گردم! به عبادت روی آورده و کسب و کار را رها کرده است. فرمود: وای براو! مگر نمی داند کسی که در پی روزی نرود، دعایش مستجاب نمی شود؟ گروهی از یاران رسول خدا صلى الله عليه وآله پس از نزول آیه «و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند برای او راه خروجی قرار می دهد و از جایی که حساب نمی کند روزی اش می دهد»، درب مغازه های خود را بستند و به عبادت روی آوردند و گفتند: روزی ما تأمین می شود. این خبر به پیامبر صلى الله عليه وآله رسید و به دنبال آنان فرستاد و فرمود: چه چیزی باعث شد که شما به این کار

۱. مراد علی ابن ابراهیم قمی است.

۲. همان: ح ۵.

۳. سوره طلاق: ۲ و ۳.

۴. وسائل الشیعه؛ ابواب مقدمات التجارة، باب ۵، ح ۷.

بپردازید؟ گفتند: ای رسول خدا! روزی ما ضمانت شد و به عهده گرفته شد و ما به عبادت روی آوردیم. فرمود: به راستی که هرکس چنین کند دعایش مستجاب نمی‌شود. در پی روزی باشید!

در چندین مورد در روایات آمده که ائمه علیهم‌السلام از کار و شغل دیگران سؤال می‌کردند که فلانی چه کاری می‌کند؛ که این تأکید بر همین مطلب است که اصل مسئله اشتغال بر همه واجب است الا ما استثنی.

از عبارت «وَيَحَهُ» که نهی از این عمل است، استفاده عدم جواز ترک العمل و ترک التجارة می‌کنیم؛ و لو اینکه به اندازه کفاف سرمایه داشته باشد؛ در روایاتی داریم که صریح در این معناست که در یک روایت حضرت درباره شخصی که می‌گفت من به قدر کافی پول دارم و فکر نمی‌کنم تا آخر مرگم تمام شود؛ لذا می‌خواهم عبادت کنم؛ اما حضرت فرمود حق نداری چنین کاری بکنی و باید کار کنی.

شاهد بحث ما از این روایت عبارت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالطَّلَبِ». حضرت هم آنها را از در خانه نشستن و ترک تجارت و ترک طلب رزق نهی فرمود و هم دستور دادند به آنها که به دنبال رزق و روزی و کسب و کار بروید.

همین روایت را مرحوم صدوق نقل می‌کنند و در انتها یک تکمله‌ای بیان می‌کنند:

«إِنِّي لَا بُغْضُ الرَّجُلِ فَاعْرِأْهُ إِلَى رَبِّهِ يَقُولُ أَرْزُقْنِي وَيَتْرُكُ الطَّلَبَ»؛

من دشمن دارم آن کس را که کار را ترک کند و دهان به روی آسمان بگشاید و بگوید: خداوندا، مرا روزی ده، و کوشش را رها کند.

این «أُبْغِضُ» تأکید بر وجوب طلب رزق و کسب و کار و جویای کار بودن است.

روایت هفتم، مرسله مرحوم صدوق است:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه‌السلام: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ النَّوَامَ إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ الْفَارِغَ»؛^۱

حضرت کاظم عليه‌السلام فرمود: بر راستی که خداوند عزیز بدون شک بنده پرخواب و بی‌کار را دشمن دارد.

در اینجا دو «يُبْغِضُ» دارد که خدای متعال دو نوع از انسان‌ها را دوست ندارد و از آنها متنفر است: یک دسته انسان‌های پرخواب و تنبل، و دیگری کاران؛ که «فارغ» در اینجا یعنی فارغ از کار اقتصادی.

روایت هشتم که سند آن صحیح است:

۱. من لا يحضره الفقيه؛ ج ۳، ص ۱۹۲.

۲. وسائل الشیعة؛ ابواب مقدمات التجارة، باب ۱۷، ح ۴.

وَعَنْهُ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: «كَتَبَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَّا بَعْدُ فَلَا تُجَادِلِ الْعُلَمَاءَ وَلَا تُمَارِ السُّفَهَاءَ فَيُبْغِضَكَ الْعُلَمَاءُ وَيَشْتَمَكَ السُّفَهَاءُ وَلَا تَكُسلَ عَنْ مَعِيشَتِكَ فَتَكُونَ كَلًّا عَلَى غَيْرِكَ»^۱؛

مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه السلام به یکی از دوستان خود نوشت: اما بعد، با عالمان جدال (درگیری لفظی) مکن و با سفیهان و بی‌خردان نیز درگیر مشو؛ زیرا عالمان با تو دشمن می‌شوند و سفیهان و بی‌خردان نیز به شماتت و دشنام تومی‌پردازند. و در مورد کسب روزی ات تنبلی به خود راه مده؛ زیرا در این صورت سربار دیگران می‌شوی.

شاهد مقطع آخر روایت است که حضرت می‌فرماید در طلب خودت تنبلی نکن تا کل بردیگران شوی. روایت نهمی که بیان می‌کنیم، صحیحۀ سماعة بن مهران است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: «إِيَّاكَ وَالْكُسلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّكَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تَعْمَلْ وَإِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تُعْطِ الْحَقَّ»^۲؛

سماعة بن مهران گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود: از کسالت و بی‌حوصلگی پرهیز که اگر تنبلی کنی کار نمی‌کنی، و اگر بی‌حوصلگی کنی از حقت محروم می‌شوی.

از تنبلی و کسالت پرهیز؛ و همچنین از بی‌حوصلگی؛ «ضجر» به معنای بی‌حوصلگی است؛ بی‌حوصلگی نیز مطلب مهمی است؛ بسیاری از کسانی که ناموفق می‌شوند [از بی‌حوصلی بر سختی کار است]؛ که حتی ممکن است اهل تلاش باشند و کار زیادی بکنند؛ اما سراغ هر کاری که می‌روند تا سختی کار را می‌بینند، بی‌حوصلگی می‌کنند و کار را رها می‌کنند؛ لذا می‌بینید افرادی را که مرتباً مشغول یک کار می‌شوند و آن را رها می‌کنند و به کار دیگر مشغول می‌شوند؛ آخرش هم به جایی نمی‌رسد. این خارج از بحث اصلی ماست؛ اما یک توصیه مهمی است که افزون بر اینکه انسان باید تلاش‌گر باشد؛ باید پر حوصله هم باشد. مردم باید عادت بر حوصله داشتن کنند و باید مردم را تشویق کرد به اینکه حوصله‌دار باشند؛ جوان باید طوری تربیت شود که پر حوصله باشد. آموزش و پرورش باید به کودکان از همان دوران ابتدایی کارهایی بدهند که نیاز به حوصله داشته باشد و آنها را به انجام کار با حوصله و موفق شدن در آن تشویق کنند.

۱. همان؛ باب ۱۸، ح ۳.

۲. همان؛ باب ۱۹، ح ۱.

در این روایت حضرت می‌فرماید از هم تنبلی و کسالت باید پرهیزی که مانع کار تونشود و هم از بی‌حوصلگی پرهیز که حوصله دوام کار را داشته باشی که اگر بی‌حوصله باشی، حق کار را ادا نمی‌کنی و کار را نیمه تمام می‌گذاری یا کار را بد تحویل می‌دهی.

در روایت دیگری چنین آمده که می‌فرماید:

«إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ مِنْ كَسَلٍ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَمَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ»^۱؛

پرهیز از تنبلی و بی‌حوصلگی، چرا که آن دو کلید هر بدی و شرمی باشند. فرد تنبل هیچ حقی را ادا نمی‌کند، و آدم بی‌حوصله پای هیچ حقی نمی‌ایستد.

که این روایت را برای تکمیل بحث «ضجر» آوردیم و الا خیلی ربطی به اصل بحث ما ندارد.

^۱. تحف العقول؛ ص ۲۹۵.